

نامه انسان‌شناسی
دوره اول، شماره اول
بهار و تابستان ۱۳۸۱، صص ۱۴۷-۱۷۷

گوش بختیاری: بقا یا زوال؟

سپما ذوالفقاری*

چکیده

در مورد گویش‌های کشور، این نگرانی غالب وجود دارد که با توسعه سوادآموزی، فن‌آوری، رسانه‌های همگانی و... زبان رسمی کشور کم‌کم حضور خود را بر گویش‌های منطقه‌ای حاکم کرده و پدیده زوال یا مرگ گویش بروز کند. جهت تحقیق درباره چند و چون این نگرانی، مطالعه‌ای موردی در حوزه انسان‌شناسی زبان و با تمرکز بر دو مبحث حفظ زبانی و تغییر زبانی درباره گویش بختیاری شهر مسجدسلیمان صورت گرفت. در این بررسی میدانی پرسش‌نامه‌ای تهیه شد که شامل حدود سی پرسش بسته و باز بود. سعی شده بود تا این پرسش‌ها عواملی را که تصور می‌شود در پدیده زوال گویش‌ها دخیل هستند شامل باشند. نتایج حاصل از این بررسی، کدگذاری و آمارگیری شد و به صورت جداول و نمودارهای متعددی تنظیم گردید که نمونه‌هایی از آنها در اینجا آورده شده است. ارزیابی آمار به دست آمده می‌تواند سمت و سوی حرکت گویش مورد نظر و نیز میزان تأثیر عوامل گوناگون را بر حفظ یا زوال آن تا حدودی مشخص سازد.

کلید واژگان: انتخاب زبانی، انسان‌شناسی زبان‌شناختی، تغییر زبانی، حفظ زبانی، داده‌های آماری، مرگ گویش، مسجد سلیمان.

۱. مقدمه

این پژوهش به بررسی وضعیت کاربردی کنونی گویش بختیازی در شهر مسجد سلیمان می‌پردازد. بنابراین، هدف پژوهش تعیین میزان پویایی و یا زوال این گویش (و نیز عوامل دخیل در پدیدهٔ تغییر زبانی) در جامعهٔ زبانی مورد نظر ماست. از آن جا که تغییر زبان همواره در بافت اجتماعی- فرهنگی صورت می‌گیرد، در این بررسی نیز با رویکردی اجتماعی- زبانی و ابزار و روش‌هایی مانند: پرسش‌نامه، مصاحبه و... وضعیت کاربردی گویش بررسی شده است.

شهر مسجد سلیمان از بدو تولد تاکنون همواره جامعه‌ای دوزبانه و یا حتی چند زبانه بوده و به دلیل ویژگی‌های جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی همواره محل تماس و برخورد زبان‌ها و یا تقابل گویش‌ها بوده است. حال با توجه به وضعیت زبانی این منطقه و از طریق بررسی داده‌های آماری می‌خواهیم بدانیم احتمال تحقق کدام‌یک از حالت‌های زیر در آینده بیشتر است:

- ۱- دامنه کاربرد گویش بختیازی نیز همانند سایر گویش‌ها، تحت تأثیر زبان معیار، رسانه‌ها و... بتدریج محدودتر خواهد شد.
- ۲- گویشوران بختیاری، برخلاف انتظار، همانند قرن گذشته با وجود تأثیرپذیری از گویش‌های دیگر و زبان معیار و گسترش رسانه‌ها، گویش محلی خود را همچنان حفظ خواهند کرد.

نتایج این تحقیق می‌تواند میزان تأثیرگذاری عوامل مختلف در بقا یا زوال گویش منورد بررسی را نشان دهد و اطلاعات سودمندی در اختیار برنامه‌ریزان قرار دهد. امید است که این تحقیق با وجود تمام کاستی‌هایش بتواند در حکم گام اول در این گونه پژوهش‌ها راه‌گشا باشد.

۱-۱. عوامل موثر در پدیده تغییر زبانی

در مبحث تغییر زبانی^۱، مسئله، پیدا کردن عوامل احتمالی مؤثر در این امر نیست، بلکه مشکل این است که از میان انبوه عوامل ظاهراً دخیل، به کدام یک جدی‌تر پرداخته شود و به عنوان عوامل اصلی مورد توجه قرار گیرند.

ایچسن (1993)، در کتاب خود از سه نظریه عمده بحث می‌کند که تلاش داشتند عوامل جامعه‌شناختی پدیده تغییر زبانی را بیان کنند:

(۱) تقلید و تغییرهای تصادفی^۲: این نظریه در بردارندهٔ نگرش افراطی معدودی از زبان‌شناسان است که معتقد بودند تقلید در زبان به همان اندازهٔ نوآوری در مد لباس غیر قابل پیش‌بینی

^۱ language Shift

^۲ fashion and random fluctuation

است. از این گروه می‌توان به پل پستال^۳ زبان‌شناس امریکایی اشاره کرد. نگرش مشابه دینگری که توسط چارلز هاکت^۴ امریکایی رواج یافت بر این اساس بود که در هنگام تولید آواهای زبان، انسان گاه به‌طور تصادفی دچار لغزش می‌شود. این تلفظ‌های غیر دقیق به مرور زمان پذیرفته شده و در زبان باقی می‌مانند.

(۲) نظریه قشر زیرین^۵: نظریه‌ای است که بر اساس تأثیر عوامل خارجی و بیگانه بر تغییرات زبانی شکل گرفته است. پیروان این نظریه معتقدند که وقتی مهاجرینی به منطقه جدیدی وارد می‌شوند، جمعیت بومی منطقه، زبان جدید فاتحان تازه وارد را به گونه‌ای ناقص یاد می‌گیرند. این گونه‌های ناقص زبان سپس در گردش نسلی باقی می‌مانند و در نهایت باعث تغییر زبان می‌شوند.

(۳) نظریه کارکردی^۶: در این نگرش ضرورت و کارکرد دو مقوله اصلی محسوب می‌شوند. به این معنی که دنباله‌روان به این نظریه تغییر زبان را پاسخی به نیازهای سخن‌گویانش می‌دانند. برای مثال هر وقت محصولی جدید اختراع و یا وارد محیط می‌شود، واژه جدیدی نیز همراه آن به زبان اضافه می‌شود. به همین ترتیب واژه‌های غیر ضروری به تدریج از زبان خارج می‌شوند. ایچسن پس از بسط و شرح هر یک از این نگرش‌ها، اینگونه جمع‌بندی می‌کند که ظاهراً عوامل جامعه‌شناختی تغییر زبانی را باید «سطحی» و یا به عبارت بهتر «موقتی» دانست. به این معنی که این عوامل تنها به‌طور مقطعی می‌توانند تأثیر کوتاه‌مدتی در پدیده تغییر زبانی داشته باشند و عامل اصلی را باید در درون خود زبان و ماهیت آن جستجو کرد. از این عوامل درونی و گرایش‌های نهفته در خود زبان به عنوان مثال می‌توان به گرایش طبیعی به راحتی در گفتار^۷ اشاره کرده بسیاری از تحولات زبانی را، دست‌کم از دیدگاه سنتی، بر این اساس توضیح می‌دهند.

همانطور که ملاحظه می‌شود، بحث ایچسن بیشتر به تغییرات آوایی و ساختاری زبان مربوط می‌شود و به همین دلیل در بحث خود عوامل درون‌زبانی را مؤثرتر از عوامل جامعه‌شناختی می‌داند. اما مسئله مورد بحث ما بیشتر به مقوله انتخاب زبانی^۸ مربوط می‌شود و این انتخاب اغلب در ارتباط تنگاتنگ با مسائل جامعه‌شناختی زبان و بویژه موقعیت کاربردی زبان در یک جامعه است.

³ Paul Postal

⁴ Charles Hockett

⁵ substratum theory

⁶ functional theory

⁷ ease of articulation

⁸ language choice

۱-۲. تغییر یا حفظ زبان

گذشته از بحث‌هایی که به طور کلی به تغییرات و تحولات زبانی مربوط می‌شوند، یکی از بحث‌های اساسی، مسئله تغییر زبان در یک مفهوم خاص است. منظور از تغییر زبان در این بحث حالتی است که یک جامعه، زبان خود را به نفع زبانی دیگر کاملاً کنار می‌گذارد. در این حالت گاه به «مرگ زبان» نیز اشاره می‌شود. این پدیده در تقابل با حفظ زبان قرار می‌گیرد که در این حالت کل جامعه تصمیم به ادامه کاربرد زبان سنتی می‌نماید. البته در پژوهش حاضر ما با جابه‌جایی و یا حفظ یک گویش (بختیاری) در مقابل یک زبان رسمی (فارسی) روبه‌رو هستیم.

انتخاب حالت تغییر یا حفظ معمولاً در کلافی از عوامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... روی می‌دهد. در پژوهش‌های گوناگونی که تاکنون در سرتاسر جهان صورت گرفته است معمولاً به طیف محدودی از عوامل اشاره می‌شود که فسنلد (1984: 217) آن‌ها را به عناوینی مانند مهاجرت، صنعتی شدن، زبان رسمی، تحصیلات، شهرنشینی، اعتبار اجتماعی برای زبان جدید و جمعیت کم‌گوشوران (برای زبان اول) تعبیر کرده است.

فسلد (همان) در ادامه این بحث اضافه می‌کند که گرچه اغلب در هنگام وقوع یک تغییر زبانی، بسیاری از عوامل جامعه‌شناختی مذکور حضور دارند، اما در عین حال می‌توان به راحتی مواردی را یافت که در آن، جامعه زبانی با حضور همه این عوامل بازهم زبان خود را حفظ کرده و در مقابل تغییر از خود مقاومت نشان داده است. ظاهراً هنوز چنانچه چوب دقیق برای پژوهش‌های اجتماعی-زبانی از این دست ارایه نشده است و به گفته فیشمن (1964) تا رسیدن به پژوهش‌های آزمانی که در آن تمامی عوامل اجتماعی، فرهنگی، زبانی و... در نظر گرفته شده باشد، راه درازی در پیش است.

بنابراین به نظر می‌رسد برای کارایی هرچه بیشتر این‌گونه پژوهش‌ها قتل از هرچیز، جامعه زبانی مورد نظر باید از هر جهت مورد مطالعه قرار گیرد و براساس ویژگی‌های خاص آن جامعه، عواملی که بیشترین تأثیر را در روند زبان‌شناختی مورد نظر داشته‌اند تعیین و در پژوهش مدنظر قرار گیرند.

۱-۳. جغرافیا، تاریخچه و بافت اجتماعی مسجد سلیمان

این شهر در استان خوزستان قرار دارد و مختصات آن 30° و $18'$ و $49''$ درجه طول جغرافیایی از نصف‌النهار گرینویچ و $56'$ و $31''$ عرض جغرافیایی از خط استوا است (جعفری، ۱۳۶۸: ۱۳). مسجد سلیمان از طرف شمال به رودخانه کارون، از مشرق به منطقه کوچ‌نشین ایذه، از جنوب به هفتگیل و از مغرب به شوشتر محدود است. مساحت این شهرستان ۷۲۰۰ کیلومتر مربع است و رشته کوه زاگرس از حاشیه شمال شرق آن می‌گذرد (شهنی، ۱۳۷۴: ۱۲). مسجد

سلیمان از شهرهای بسیار قدیمی ایران و گواه این قدمت، آثار باستانی فراوانی است که در این منطقه یافت می‌شود. از جمله این آثار می‌توان به آتشکده‌های بسیار کهن و متعددی که در سرتاسر منطقه پراکنده هستند اشاره کرد.

پروفسور گیرشمن باستان‌شناس و ایران‌شناس معروف فرانسوی تحقیقات زیادی را در این منطقه و به ویژه بر روی ایوان مقدس سرمسجد انجام داده است. ایوان سرمسجد آتشکده و معبد بزرگ و باستانی است که سیصد سال قبل از میلاد مسیح ساخته شده و در حدود صد و پنجاه سال پس از آن احتمالاً توسط پارت‌ها ویران گردیده است (همان).

شهر مسجد سلیمان دو ویژگی مهم دارد که آن را برای این پژوهش مناسب می‌سازد. نخست اهمیت مسجد سلیمان برای عشایر بختیاری است، چرا که این شهر مهم‌ترین قشلاق‌گاه آن‌ها محسوب می‌شود و غالب ساکنان آن را گویشوران بختیاری تشکیل می‌دهند. دیگر آن‌که مسجد سلیمان از معدود شهرهایی است که تاریخ و علت وجودی مشخص و معلومی دارد. قبل از کشف نفت، این منطقه فقط در حکم قشلاق‌گاه عشایر بختیاری و قشقای بود و روستاهایی چند، جمعیت بومی آن را تشکیل می‌دادند که به دامداری و کشاورزی به روش دیم می‌پرداختند. پیدایش نفت در این منطقه، عامل بوجود آمدن شهر مسجد سلیمان شد. پس از انعقاد قرارداد سال ۱۲۵۸ ه. ش. عملیات ساختمان‌سازی در این منطقه شروع شد و به این ترتیب اولین شرکت شهر ایزان، با مرکزیت شرکت نفت به عنوان شالوده اقتصادی آن بوجود آمد. همگام با گسترش تأسیسات شرکت نفت و به تبع آن فراهم کردن امکانات رفاهی برای کارکنان مشغول به کار، با پدیده مهاجرت روزافزون کشاورزان و عشایر برای استخدام در شرکت نفت و اسکان خانواده‌هایشان در شهر روبه‌رو می‌شویم. از سوی دیگر تاجران و بازاریان شوشتری، دزفولی و اصفهانی نیز که بازار تجارت جدیدی یافته بودند برای کسب سود بیشتر به این شهر آمدند و هرکدام بازار و تجارت مختص به خود را بنا نهادند. در این میان شوشتر به خاطر نزدیکی بیشتر، مهاجران بیشتری داشت و بازار شوشتری‌ها از قدیمی‌ترین و پررونق‌ترین بازارچه‌های شهر محسوب می‌شد. براین اساس در سال‌های آغازین به وجود آمدن مسجد سلیمان، با سه قشر اجتماعی - زبانی روبه‌رو هستیم. انگلیسی‌ها و افراد خارجی دیگر (اروپایی، هندی و...) که از نظر تعداد در اقلیت بودند اما به خاطر برتری اقتصادی و اجتماعی توانستند زبان خود را حفظ کرده و واژگان بسیاری را در گویش طبقات دیگر وارد کنند (قشر زبیرین)^{۱۰}، بازاریان و کسبه مهاجر که باز از نظر تعداد در اقلیت بودند اما چون تفوق اجتماعی و اقتصادی هم نداشتند در گویش غالب منطقه حل شدند و پس از گذشت سال‌ها به گویش بختیاری با لهجه مثلاً شوشتری تکلم می‌کردند. اما قشر عظیم‌تر جامعه که همگی گویشور بختیاری بودند، تا حد زیادی چارچوب و ساختار اصیل گویش خود را حفظ کردند اما به دلیل عوض شدن نحوه زندگی و آشنایی با وسایل و پدیده‌های بسیاری که در زندگی

¹⁰ superstratum

ساده و مختصر پیشین خود معادل وجودی و در نتیجه واژه‌ای برای آن‌ها نداشتند، ناچار به قرض‌گیری زبانی گسترده‌ای شدند تا حدی که در مواردی به خصوص در محیط‌های اداری و درحین کاراحتمال به وجود آمدن نوعی زبان میانجی آمیخته یعنی پی جین^{۱۱} را فراهم آوردند. واژه‌های انگلیسی وارد شده در گویش بختیاری اغلب دست‌خوش تغییرات آوایی شدند و آهنگی بختیاری یافتند. برای مثال واژه‌های تنسپورت^{۱۲} و جاله جیس^{۱۳} گونه‌های دگرگون شده واژه‌های انگلیسی transport و geologist هستند.

بنابراین وجود بازارکار و فعالیت، عامل مهاجرت گسترده‌ای شد که در نتیجه آن مسجد سلیمان کم‌کم به شکل بخش و سپس شهرستانی پرجمعیت درآمد در سال‌های آخر حکومت پهلوی (حدود سال ۱۳۵۵) و به دنبال سیاست‌های دفاعی، نیروها و پایگاه‌های نظامی مهمی از جمله هوآنیروز وارد مسجد سلیمان شد. این حرکت نیز به نوبه خود هم بازار کار جدیدی به وجود آورد و هم سیل مهاجرت جدیدی را به راه انداخت که به دنبال آن افراد نظامی بسیاری از شهرهای مختلف ایران به همراه خانواده‌هایشان در این شهر مستقر شدند و بافت آن را متنوع‌تر از گذشته کردند.

امروز نیز بافت اجتماعی شهر با گذشته تفاوت چندانی ندارد. مسجد سلیمان هنوز جایگاه ویژه‌ای برای عشایر دارد و قشلاق‌گاه اصلی ایل بختیاری محسوب می‌شود. مهم‌ترین تحولی که در سال‌های اخیر در آن بوجود آمده است تأسیس دانشگاه (دانشگاه آزاد اسلامی) است. دانشجویانی که در برخی موارد از شهرهای دور به مسجد سلیمان می‌آیند، در شهر استقرار یافته‌اند و مسلماً در دراز مدت باعث تحولاتی در بافت اجتماعی و فرهنگی آن‌جا خواهند شد. در این مرحله تحول اقتصادی شهر چشمگیر است به طوری که بازار شهر در پاسخ‌گویی به این افراد و مشتریان جدید که اغلب جوان هم هستند ظاهری امروزی‌تر به خود گرفته است و کتبه سعی دارند (و یا مجبورند) فارسی را بیشتر به کار بگیرند (جدول شماره ۱) جمعیت شهرستان مسجد سلیمان را به تفکیک ساکن و غیرساکن در سال ۱۳۷۰ نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: جمعیت مسجد سلیمان به تفکیک شهری و روستایی

جمع	جمعیت خانوارهای ساکن و غیر ساکن			شهرستان
	نقاط غیر ساکن	نقاط روستایی	نقاط شهری	
۱۹۱۰۴۱	۲۹۱۷	۶۹۲۰۶	۱۱۸۹۱۸	مسجد سلیمان

مأخذ: عباسی، شهنی، ۱۳۷۴: ۱۲

^{۱۱} Pidgin
^{۱۲} tenasport
^{۱۳} jālejis

۲. وضعیت کاربردی گویش بختیاری شهر مسجد سلیمان

- به نظر می‌رسد که گویش بختیاری این شهر به دلایل متعددی تحت سلطه زبان فارسی درآمده و دامنه کاربرد آن کاهش یافته است. این نظر براساس مشاهده بسیاری از مشخصات پدیده تغییر زبانی مطرح شده توسط جامعه‌شناسان زبان شکل گرفته است. فسلد (1984: 241) موارد زیر را به عنوان عمده‌ترین مشخصات مراحل پایانی یک تغییر زبانی مطرح می‌کند:
- شرط وجودی پدیده تغییر زبانی، وجود یک جامعه دو زبانه است.
 - فردمی که در مناطق بسته جغرافیایی زندگی می‌کنند و یا کسانی که به کشاورزی می‌پردازند شانس بیشتری برای حفظ گویش محلی خود دارند.
 - به نظر می‌رسد بهبود وضعیت راه‌های ارتباطی و حمل‌ونقل، استقرار مراکز فرهنگی به زبان رسمی (زسانه‌ها، آموزش و پرورش، فرهنگسرا و...) و نیز مهاجرت گروه‌های زبانی مختلف (به دلایل شغلی، حرفه‌ای و...) سرعت پدیده تغییر زبانی را افزایش می‌دهند. اما این عوامل عمده تنها ممکن است باعث تغییر شوند و نقش آن‌ها مطلق نیست.
 - در سطح وسیع‌تر، عوامل اجتماعی-اقتصادی نیز ممکن است در جهت پدیده تغییر زبانی خدمت کنند ولی لزوماً ضامن تحقق این پدیده نیستند. گویشورانی که در جوامع شهری، صنعتی و یا مراکز تجاری به سر می‌برند، تمایل زیادی به همگون کردن زبان خود با زبان رایج در آن جوامع دارند و بنابراین گویش محلی خود را کمتر به کار می‌برند.
 - در قرض‌گیری حالت تعادل دو طرفه دیده نمی‌شود. به این معنی که در گویش به راحتی واژگان و گاه ساختارهای زبان معیار به کار می‌رود ولی عکس این حالت وجود ندارد.
 - برای گویش نسبت به زبان معیار ارزش کمتری قائل هستند و حتی خود گویشوران ممکن است گویشی را که به کار می‌برند نسبت به گونه‌های دیگر آن و یا استانداردهای نوشتاری گویش و یا گونه‌ای که در جوامعی که کاملاً یک‌زبانه باقی مانده‌اند و فقط گویش را به طور خالص کار می‌برند، در سطح ارزشی پایین‌تری ارزیابی کنند و آن را ناخالص و غیراصیل بدانند.
 - آخرین مرحله یک تغییر زبانی-که شاخص این پدیده نیز هست- این است که والدین زبان معیار (ونه گویش) را به فرزندان خود انتقال بدهند.
- در جامعه مورد پژوهش ما، بسیاری از این مشخصات و ویژگی‌ها قابل مشاهده هستند؛ اما به دلیل این که صرف «مشاهده» لزوماً نمی‌تواند ما را به قطعیتی در تحلیل زبانی-اجتماعی مورد نظرمان برساند، از یک بررسی آماری مدد گرفته شد که شرح آن در بخش روش پژوهش آمده است. نتایج حاصل از این بررسی آماری در بخش‌های بعدی، مرور و تحلیل می‌شوند.

۳. روش پژوهش

در بررسی اجتماعی گویش بختیاری مسجد سلیمان، براساس دو فرضیه یا احتمال تغییر زبانی یا حفظ زبانی پرسش‌نامه‌ای تنظیم شد. این پرسش‌نامه ۳۲ پرسش داشت که بعضی دارای چند جواب مشخص (پرسش‌های بسته) و بعضی دارای جواب‌های توضیحی و تحلیلی (پرسش‌های باز) بودند. پرسش‌ها به گونه‌ای طراحی شده بودند تا در حد امکان تمام عوامل مؤثر در یک تغییر زبانی را در برداشته باشند. پرسش‌نامه‌ها بین گروه‌های جنسی، سنی و تحصیلی مختلف به تساوی توزیع شدند. در این تقسیم‌بندی بین دو گروه جنسی زن و مرد، سه گروه تحصیلی و پنج گروه سنی در نظر گرفته شد. (جدول شماره ۲) این گروه‌ها را نشان می‌دهد:

جدول شماره ۲: جمعیت نمونه به تفکیک جنس، سن و تحصیلات

گروه‌های تحصیلی گروه‌های سنی	زن		مرد	
	۷ تا دیپلم	دانشگاهی	بی‌سواد تا ابتدایی	۷ تا دیپلم
زیر ۲۰				
۲۰ تا ۲۹				
۳۰ تا ۳۹				
۴۰ تا ۴۹				
۵۰ سال به بالا				

همانطور که ملاحظه می‌شود، در عمل بعضی از خانه‌های جدول خالی ماندند (خانه‌های سیاه جدول بالا). در مجموع صد و پنجاه پرسش‌نامه بدست آمد. برای پرکردن پرسش‌نامه‌ها، به‌خصوص برای گروه‌های سنی بالا و بی‌سواد سعی شد تا از روش مصاحبه و گفتگوی غیررسمی نیز به‌طور هم‌زمان استفاده شود تا جواب‌های طبیعی‌تر و دقیق‌تری به دست آید. پرسش‌نامه‌ها در مدت حدود شش ماه توزیع و جمع‌آوری شد. سپس جهت آمارگیری کامپیوتری کدگذاری و با استفاده از نرم‌افزار spss داده‌پردازی شدند. نتایج حاصل از این آمارگیری به صورت جدول و نمودار ارائه شدند. در مرحله کدگذاری، برای تحلیل مقولات مختلف مطرح شده، پرسش‌هایی در نظر گرفته شدند. فهرست کامل این پرسش‌ها و فرض‌های مبنایی آن‌ها در متن اصلی پژوهش آورده شده است.

۴. تحلیل آماری داده‌ها

نحوه گردآوری داده‌های این بخش ذیل عنوان روش پژوهش آورده شده و در این بخش سعی می‌شود تا با بررسی پرسش‌های گوناگون پرسش‌نامه - که همه براساس عوامل مؤثر مطرح شده در پدیده تغییر زبانی (۱-۱) و (۲-۱) طرح شده‌اند - وضعیت کاربردی کنونی گویش بختیاری

شهر مسجد سلیمان ارزیابی شده و دریابیم که آیا دامنه کاربرد این گویش در آینده محدود خواهد شد و یا پویایی آن ادامه می‌یابد.

به این ترتیب، مقولاتی چون سن، جنس، شغل، تحصیلات، عرق بومی و گویشور بودن والدین به عنوان عوامل اصلی و مؤثر در پدیده بقا زبانی و یا تغییر زبانی مورد مطالعه ما، در نظر گرفته شدند. از سوی دیگر میزان به‌کارگیری هریک از گونه‌های زبانی مورد نظر (گویش بختیاری و زبان فارسی) در حوزه‌های^{۱۴} مختلف مانند: کوچه و بازار، مراسم بومسی و مجالس خانوادگی، برخورد با افراد پیر فامیل، دوستان و در حالات عاطفی شدید، به عنوان شاخص تعیین کاربری آن‌ها مورد سنجش قرار گرفته است.

پیش از ارایه جدول‌ها و تحلیل آماری آن‌ها، ذکر نکات زیر لازم به نظر می‌رسد:

- ۱- در پیکره اصلی پژوهش ۴۴ جدول و ۱۰ نمودار به ترتیب مقوله‌های مطرح شده در پرسش‌نامه فهرست شده‌اند که در مقاله حاضر تنها به ارایه چند نمونه بسنده شده است.
- ۲- این جدول‌ها، در ابتدا ظاهر کامل‌تر و پیچیده‌تری داشتند. برای مثال تمام جدول‌های آمار فراوانی و درصد کل و نیز ستون کل و سطر کل را نیز شامل بودند. اما چون موارد مذکور در تحلیل آماری ما مدنظر نبودند، به دلیل راحتی استفاده از جدول‌ها و ساده‌تر و خواناتر شدن آن‌ها حذف شدند. با این حال جهت حفظ اطلاعات دقیق آماری پژوهش، تمام این اعداد و ارقام و سایر اطلاعات ستودمند، در دیسک‌های کامپیوتری مربوطه نگهداری می‌شوند.
- ۳- در اینجا، هدف بیشتر ارایه آماری دقیق بوده است. توجیه و علت‌یابی دقیق پدیده‌ها، از حوزه پژوهش حاضر خارج است و پژوهش‌های انسان‌شناختی عمیق‌تری را طلب می‌کند. با این وجود در مورد دو جدول آغازین، تحلیل‌هایی جهت نمونه ارایه شده است که براساس مشاهدات پژوهش‌گر و آمار بدست آمده هستند و صرفاً جنبه پیشنهادی دارند:
- ۴- برای برخی جدول‌ها، نمودارهای ستونی نیز تهیه شده که به دنبال آن‌ها آورده شده است.
- ۵- در تمام جدول‌ها اعداد نشان‌دهنده موارد ناقص قاعده کلی، با ستاره مشخص شده‌اند.
- ۶- جدول‌ها بر دو نوعند:
- ۷- جدول‌های یک بُعدی که براساس پرسش‌های بسته پرسش‌نامه شکل گرفته‌اند و ترتیب آن‌ها پس از جدول‌های دو بُعدی است.
- ۸- جدول‌های دو بُعدی حاصل تقاطع دو بیته از عوامل و مقوله‌های مورد بحث در پژوهش هستند. هریک از جدول‌ها، بر اساس یک پرسش شکل گرفته که پیش از درج هر جدول نوشته شده و در ادامه پاسخ مفروض برای آن پرسش هم تحت عنوان (فرض) آمده است. نتایج حاصل از بررسی هم پس از هر یک از جدول‌ها آورده شده است.
- ۹- در زیر نمونه‌ای از این جدول‌ها را با عنوان (جدول شماره ۳) می‌بینیم:

پرسش: درصد کاربرد گویش در گروه‌های سنی مختلف در محیط خانه چقدر است؟
 کدام گروه سنی بیشترین گرایش را به کاربرد بختیاری دارد؟
 کدام گروه سنی بیشترین گرایش را به کاربرد فارسی دارد؟
 فرض: گروه سنی (<20) بیشترین گویشور فارسی و گروه سنی (>50) بیشترین گویشور بختیاری را داراست.

جدول شمارهٔ ۳: درصد میزان کاربرد فارسی و بختیاری در محیط خانه به تفکیک سن

کاربرد زبان / گروه سنی	فارسی	بختیاری	هر دو
<20	۱۵/۸	۶۳/۲	۲۱/۱
	۱۳/۶	۱۲/۲	۲۰/۰
20-29	۲۸/۱	۵۰/۰	۲۱/۹
	*۴۰/۹	۱۶/۳	۳۵/۰
30-39	۱۰/۳	۷۲/۴	۱۳/۸
	۱۳/۶	۲۱/۴	۲۰/۰
40-49	۸/۶	۷۴/۳	۱۱/۴
	۱۳/۶	۲۶/۵	۲۰/۰
>50	۱۳/۸	۷۹/۳	۳/۴
	*۱۸/۲	*۲۳/۵	۵/۰

*انحراف از سیر پیش‌بینی شده

نتایج:

درصد سطری: در تمام گروه‌های سنی کاربرد بختیاری نسبت به فارسی بیشتر است.

درصد ستونی: گروه سنی ۴۹-۴۰ سال بیشترین گویشور بختیاری را دارد.

گروه سنی ۲۹-۲۰ سال بیشترین گویشور فارسی را دارد.

- فرض بالا ثابت نشد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در هر یک از خانه‌های جدول‌های دوئعدی، دو گروه عدد چاپ شده‌اند. از این دو گروه عدد بالا، همواره معرف «درصد سطری» کاربرد زبان است و عدد پایینی معرف «درصد ستونی» آن. برای راحتی کار، در تمام جدول‌ها ابتدا بررسی سطری انجام می‌شود، سپس بررسی ستونی که از بالا به پایین خوانده می‌شود و در انتها نتایج آورده می‌شوند. مثلاً بررسی سطری و ستونی اولین خانه (جدول شمارهٔ ۳) این‌گونه است: سطری: گروه سنی کمتر از ۲۰ سال (<20)، در پاسخ به پرسش مطروحه، ۱۵/۸ «فارسی»، ۶۳/۲ درصد «بختیاری» و ۲۱/۱ درصد «هر دو» را به عنوان پاسخ برگزیده‌اند.

ستونی: درستون فارسی گروه <۲۰، به میزان ۱۳/۶ درصد فارسی را به کار می‌گیرند که این مقدار باید با ۴۰/۹ درصد در گروه ۲۹-۲۰ سال، ۱۳/۶ درصد در گروه ۳۹-۳۰، ۱۳/۶ درصد در گروه ۴۹-۴۰ و ۱۸/۲ درصد در گروه >۵۰ مقایسه شود.

در جدول بین دو مقوله سن (شامل پنج گروه سنی نماینده پنج نسل متوالی از گویشوران) و گونه زبانی‌ای که در خانه به کار می‌رود تقاطع ایجاد کردیم. ردیف افقی جدول به ترتیب نماینده گونه زبانی به کار رفته در خانه و ردیف عمودی شاخص گروه‌های سنی است.

بررسی درصد سطری^{۱۵} در ردیف پنج‌گانه جدول نشان می‌دهد که در تمام گروه‌های سنی میزان کاربرد گوش بختیاری در خانه بسیار بیشتر از فارسی است و در مواردی به بیش از هفت برابر می‌رسد. (مثلاً در مورد گروه سنی ۳۹-۳۰، گوش به میزان ۷۲/۴ درصد یعنی حدود هفت برابر فارسی یا میزان ۱۰/۳ درصد به کار می‌رود) این نتیجه در مورد گروه‌های سنی بالا انتظار می‌رفت به خصوص در مورد گروه‌های بالای ۴۰ سال. اما نکته جالب توجه میزان کاربرد بختیاری در نخستین گروه سنی یعنی افراد زیر ۲۰ سال است که ۶۳/۲ درصد گوش در مقابل ۱۵/۸ درصد فارسی می‌باشد. به عبارت دیگر جوان‌ترین نسل مورد پژوهش ما در خانه (که همواره به عنوان کانون زبان‌آموزی و عامل بقای گویش‌ها و زبان‌ها مطرح است) با درصد بالایی هنوز بختیاری را به کار می‌برد. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد که گویش از این نظر در خطر نیست و شانس بقای آن هنوز از بین نرفته است. از سوی دیگر در بررسی ستون فارسی مشاهده می‌شود که برخلاف انتظار، میزان کاربرد فارسی در گروه‌های مختلف سنی، از قاعده کم‌ترین میزان در مسن‌ترین افراد و بیشترین میزان در جوان‌ترین آن‌ها تبعیت نمی‌کند. درصد ستونی گروه‌های سنی یک تا پنج به ترتیب عبارتند از: ۱۳/۶، ۴۰/۹، ۱۳/۶، ۱۳/۶، ۱۸/۲ درصد، یعنی در واقع دو گروه سنی ۲ و ۵ ناقض قاعده مفروض کلی هستند. جوان‌ترین گروه سنی (افراد زیر ۲۰ سال) کمتر از گروه بزرگتر از خود (۲۹-۲۰) فارسی را به کار می‌برند. همچنین مسن‌ترین گروه (۵۰ سال به بالا) بیشتر از گروه‌های جوان‌تر از خود (۴۹-۴۰، ۳۹-۳۰ و حتی زیر ۲۰ سال) فارسی را به کار می‌برند.

معمولاً توجه این موارد ناقض قاعده کلی در بررسی‌های زبانی خیلی آسان نیست. به عبارت دیگر به دلیل گستردگی عوامل دخالت‌کننده در رفتار زبانی فرد، تعیین روابط علت و معلولی مشخص برای رفتارهای زبانی گوناگون کار بسیار مشکل و گاه غیر ممکن است. اما به هر حال جهت توجیه این پدیده سعی شد تا عامل مشترکی را بین این دو گروه سنی بیابیم. هر دوی این گروه‌ها در دوران حیات خود شاهد تحولات و دگرگونی‌های عظیمی در جامعه خود بوده‌اند. افراد ۵۰ سال به بالا معمولاً کارکنان بازنشسته شرکت نفت هستند و یا به طور کلی افرادی که در اوج تحولات اقتصادی و فرهنگی مسجد سلیمان و در زمان اقتدار شرکت نفت ایران-انگلیس نقش فعال اجتماعی داشته‌اند و شاید به این دلیل که در آن دوران مسجد سلیمان بیشتر حالت جامعه‌ای چند زبانه داشت و بختیاری نمی‌توانست به تنهایی نیازهای اجتماعی

¹⁵ row percent

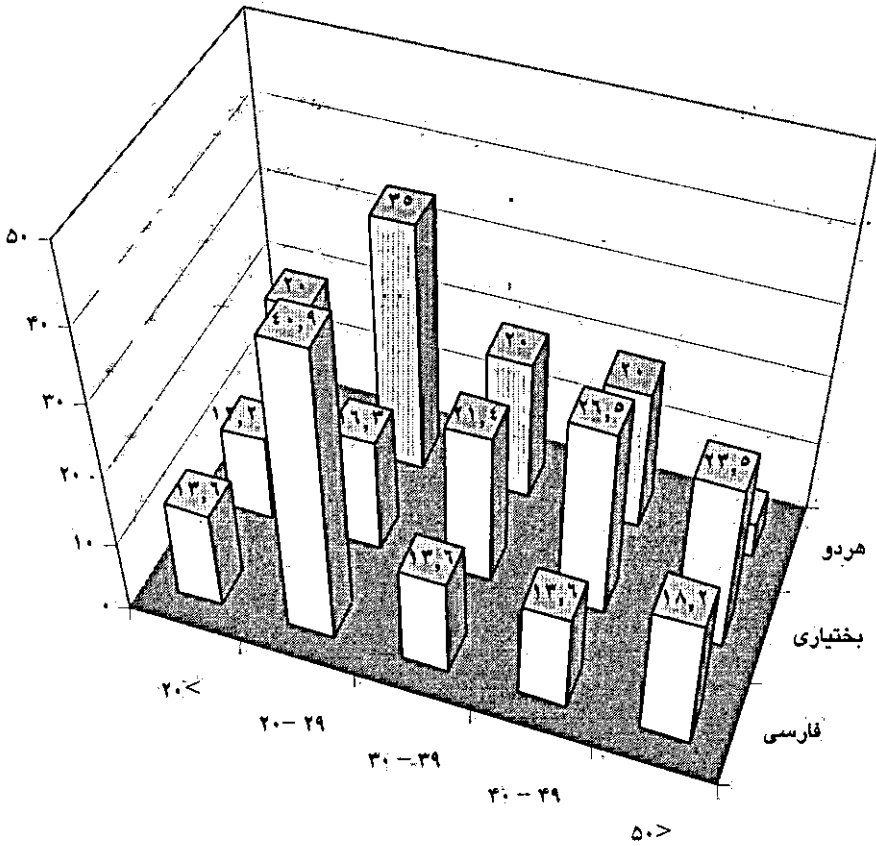
افراد را برآورده سازد؛ مجبور بودند فارسی را به عنوان وسیله ارتباطی مؤثرتر، بیشتر به کار ببرند و این رفتار زبانی هنوز هم در آن‌ها باقی مانده است. اگر تحقیقی مبتنی بر میزان دانش انگلیسی گروه‌های مختلف سنی بعمل می‌آمد، احتمالاً باز هم این گروه سنی (به دلایل مشابه) درصد بالایی از کاربرد و یا دانش انگلیسی را نشان می‌دادند.

گروه سنی دوم^{۱۶} (۲۹-۲۰) نیز در جریان دو پدیده مهم در طول حیات خود بوده‌اند: انقلاب و جنگ. البته در این میان به نظر می‌رسد که پدیده جنگ بیشتر توانسته بر آن‌ها تأثیر بگذارد، چرا که در زمان انقلاب مسن‌ترین افراد این گروه نه ساله بوده‌اند و در چنین شرایط سنی پدیده‌های اجتماعی کمتر می‌تواند بر فرد و به طریق مشابه بر رفتار زبانی او تأثیرگذار باشد. اما در طول دوران جنگ شاید مهاجرت مسجد سلیمانی‌ها به شهرهای دیگر استان و کشور (که لزوماً گویش بختیازی در آن‌ها کاربردی نداشته است و برای برقراری ارتباط احتمالاً باید فارسی را در حد بالایی به کار می‌بردند) و یا مهاجرت افراد از شهرهای دیگر استان به مسجد سلیمان (به خصوص از آهواز و آبادان که بیشتر گویشور فارسی دارند تا بختیازی) عادت به فارسی حرف زدن را به خصوص در این گروه سنی جوان (که در آن دوران مسن‌ترین آن‌ها حدود ۱۵-۱۴ ساله بوده‌اند) تقویت کرد و تظاهر آن هنوز هم ادامه دارد. البته در مورد این گروه سنی یک عامل بسیار مهم دیگر هم قابل طرح است. افراد ۲۰ تا ۲۹ ساله نقش اجتماعی فعالی دارند و یا به عبارت دیگر در سنینی هستند که معمولاً در جستجوی یافتن هویت اجتماعی و یا موقعیت شغلی و کسب اعتبار و جایگاه فردی و اجتماعی می‌باشند و در این راستا همواره کاربرد بیشتر زبان رسمی و معیار توصیه و دیده می‌شود. این ضرورت کنارتزد زبان معیار را شاید افراد زیر ۲۰ سال (که معمولاً هنوز رشته‌های وابستگی خانوادگی قوی‌تر نسبت به وابستگی اجتماعی دارند) و نیز افراد ۳۰ سال به بالا (که دارای موقعیت اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و... تثبیت شده‌تری هستند) کمتر حس کنند.

درک صحت و سقم تحلیل‌ها و یا توجیه‌های مطرح شده برای این انحرافات^{۱۶} از قاعده کلی، تنها در پرتو تحقیقی مفصل و مبتنی بر اصول جامعه‌شناختی امکان‌پذیر است؛ در این جا، تحلیل ارایه شده، تنها در حکم علت‌ها و توجیه‌های احتمالی بیان شده‌اند و یا حداکثر شاید بتوانند برای تحقیقات بعدی اشاراتی به دست دهند. اما برای پژوهش فعلی (پویایی یا زوال گویش بختیازی) تنها این نکته حائز اهمیت بسیار است که گویش بختیازی در میان گروه‌های مختلف سنی، در مقایسه با زبان فارسی رسمی، در محیط خانه هنوز بالاترین میزان کاربرد و گویشور را داراست. (نمودار شماره ۱، نسبت‌های یاد شده را به صورت گرافیکی نشان می‌دهد):

¹⁶ deviations

نمودار شماره ۱: مقایسه ستونی کاربرد فارسی و بختیاری در محیط خانه به تفکیک سن



در نمودار شماره ۱، با نگاهی به ردیف «بختیاری» به راحتی می توان دید که ستون افراد ۴۰-۴۹ ساله از همه بلندتر و نشان دهنده کاربرد بیشتر گوش توسط این گروه سنی است. بقیه نسبت های ستونی موجود در (جدول شماره ۳) نیز به همین ترتیب قابل بررسی هستند.

در جدول شماره ۴: مقایسه‌ای بین میزان کاربرد فارسی و بختیاری بین همین گروه‌های سنی اما این بار در حوزة کوچک و بازار (به عنوان صحنة فعالیت اجتماعی) صورت گرفته است.

پرسش: در اجتماع (کوچه و بازار) کدام گونهٔ زبانی بیشتر به کار می‌رود؟
فرض: کاربرد فارسی در جوان‌ترین گروه (<۲۰) بیشتر و کاربرد بختیاری در مسن‌ترین گروه (>۵۰) بیشتر است.

جدول شماره ۴: درصد میزان کاربرد فارسی و بختیاری در حوزة کوچک و بازار به تفکیک سن

گروه سنی \ کاربرد زبان	فارسی	بختیاری	هر دو
<۲۰	۴۲/۱ ۱۲/۷	۲۶/۳ *۱۰/۶	۳۱/۶ ۲۰/۰
۲۰-۲۹	۶۸/۸ *۳۴/۹	۱۲/۵ ۸/۲	۱۸/۸ ۲۰/۰
۳۰-۳۹	۴۸/۳ ۲۲/۲	۲۷/۶ ۱۷/۰	۲۴/۱ ۲۳/۳
۴۰-۴۹	۳۱/۴ ۱۷/۵	۴۵/۷ ۳۴/۰	۱۷/۱ ۲۰/۰
>۵۰	۲۷/۶ ۱۲/۷	۴۸/۳ *۲۹/۸	۱۷/۲ ۱۶/۷

* انحراف از سیر پیش‌بینی شده

نتایج:

درصد سطری: سه گروه سنی اول، در کوچه و بازار فارسی را بیشتر به کار می‌برند. دو گروه سنی دوم (افراد مسن‌تر)، در کوچه و بازار بیشتر بختیاری را به کار می‌برند. درصد ستونی: در ستون فارسی، کاربرد این زبان از مسن‌ترین گروه به تدریج افزایش یافته تا گروه ۲۰-۲۹. در جوان‌ترین گروه با افت کاربرد فارسی روبه‌رو هستیم. گروه سنی ۲۰-۲۹ بیشترین کاربرد فارسی را داراست.

- در ستون بختیاری، نوسان دیده می‌شود. گروه اول و پنجم از قاعده پیروی نمی‌کنند از گروه چهارم تا دوم با کاهش کاربرد روبه‌رو هستیم. گروه سنی ۴۰-۴۹ بیشترین کاربرد بختیاری را داراست.

بر اساس درصدهای سطری، در سه گروه نخست میزان کاربرد فارسی در کوچه و بازار نسبت به بختیاری بیشتر و در دو گروه آخر کمتر است. توجه این حالت مشکل نیست. سه گروه سنی اول به علت جوان بودن فعالیت اجتماعی بیشتری دارند و در برخورد با گروه‌های زبانی مختلف (به خصوص افراد فارسی زبان مهاجر و یا ساکن در مسجد سلیمان) راحت‌تر

می‌توانند به زبانی رسمی کدگردانی^{۱۷} کنند. اما افراد مسن‌تر معمولاً در این موارد محافظه‌کارتر هستند.

درصد ستونی میزان کاربرد بختیاری در چهار گروه سنی اول، سبب طبیعی و منطقی‌ای را نشان می‌دهد یعنی هرچه از گروه جوان‌تر به سوی گروه مسن‌تر می‌رویم، میزان کاربرد بختیاری بیشتر می‌شود. (از ۱۰/۶ در اولین گروه تا ۳۴ درصد در گروه چهارم). اما در این جا هم پنجمین گروه سنی یک انحراف نشان می‌دهد: یعنی درصد کاربرد بختیاری در این گروه ۲۹/۸ درصد است که کمتر از ۳۴ درصد گروه ۴۹-۴۰ است و قاعدتاً چون سن افراد گروه پنجم بیشتر است باید درصد کاربرد گوش هم توسط آن‌ها بیشتر از ۳۴ می‌شد. شاید بتوان حضور اجتماعی کمتر این افراد را به عنوان توجیه این انحراف مطرح کرد.

حال باین توضیحات به بررسی چند جدول و نمودار دیگر می‌پردازیم. سعی شده است تا این داده‌ها به ترتیب پرسش‌های پرسش‌نامه ردیف شوند. در مورد هر جدول، ابتدا پرسش و فرض مورد نظر آورده شده است، سپس داده‌های بدست آمده و در انتها نتایجی که مستقیماً از بررسی سطری و سپس ستونی داده‌ها بدست می‌آید. به عبارت دیگر، در مورد داده‌ها، تحلیل و استنتاجی صورت نگرفته است به جز در موارد محدودی که نتیجه کاملاً روشن بود. همسان‌طور که قبلاً هم اشاره شد، در تمام موارد ابتدا مقایسه سطری (بررسی اولین ردیف اعداد هر خانه) و سپس مقایسه ستونی (بررسی دومین عدد در ردیف‌های عمودی از بالا به پایین) انجام می‌شود.

پرسش: با والدین و افراد فامیل بیشتر کدام زبان به کار می‌رود؟
فرض: تصور می‌رود که در ارتباط نسلی با افراد فامیل بیشتر گوش به کار می‌رود وجود این حالت از علائم بقای دوزبانگی جامعه است.

جدول شماره ۵: درصد میزان کاربرد فارسی و بختیاری برای ارتباط با افراد پیر فامیل به تفکیک سن

گروه سنی \ کاربرد زبان	فارسی	بختیاری	هر دو
۲۰ <	۱۵/۸	۶۸/۳	۱۰/۵
	۳۰/۰	۱۰/۶	۴۰/۰
۲۰-۲۹	۶/۳	۹۰/۶	۳/۱
	۲۰/۰	۲۳/۶	۲۰/۰
۳۰-۳۹	۶/۹	۸۶/۲	
	۲۰/۰	*۲۰/۳	
۴۰-۴۹	۲/۹	۹۱/۴	۲/۹
	۱۰/۰	۲۶/۰	۲۰/۰
۵۰ >	۶/۹	۸۲/۸	۳/۴
	*۲۰/۰	*۱۹/۵	۲۰/۰

*انحراف از سیر پیش‌بینی شده

نتایج:

درصد سطری: تمام گروه‌های سنی به میزان بالا در مکالمه با افراد پیر فامیل بختیاری را به کار می‌برند. پس فرض بالا محتمل است.

درصد ستونی: در مقایسه ستونی میزان کاربرد گویش بین گروه‌های سنی مختلف دارای نوسان است و از سیر قابل انتظار بیشترین کاربرد در پیرترین گروه و کمترین در جوان‌ترین گروه تبعیت نمی‌کند.

- گروه > ۵۰ بختیاری را کمتر از گروه ۴۹-۴۰ به کار می‌برد. (۱۹/۵٪ در مقابل ۲۶٪).

- گروه ۲۹-۲۰ بختیاری را بیشتر از گروه مسن‌تر ۳۹-۳۰ به کار می‌برد. (۲۳/۶٪ در مقابل ۲۰/۳٪).

در اینجا بازهم مشاهده می‌شود که در گروه سنی دوم و پنجم رفتار زبانی غیرمنتظره از خود بروز داده‌اند.

پرسش: در مکالمه با دوستان کدام گونهٔ زبانی را بیشتر به کار می‌برید؟
فرض: در ارتباط با دوستان معمولاً گویش به کار می‌رود چون با آن احساس راحتی بیشتری می‌کنند و قابلیت آن را برای بیان منظوره‌های خود بیشتر می‌دانند.

جدول شمارهٔ ۶: درصد میزان کاربرد فارسی و بختیاری در ارتباط با دوستان به تفکیک سنی

گروه سنی	کاربرد زبان	فارسی	بختیاری	هر دو
< ۲۰		۳۶/۸	۴۷/۴	۱۵/۸
		۱۷/۹	*۱۷/۶	۶/۱
۲۰-۲۹		*۴۶/۹	۱۲/۵	۴۰/۶
		*۳۸/۵	۷/۸	۲۶/۵
۳۰-۳۹		۱۷/۲	۳۴/۵	۴۱/۴
		۱۲/۸	۱۹/۶	۲۴/۵
۴۰-۴۹		۲۰/۰	۳۱/۴	۴۵/۷
		*۱۷/۹	۲۱/۶	۳۲/۷
> ۵۰		۱۷/۲	۵۸/۶	۱۷/۲
		۱۲/۸	۳۳/۳	۱۰/۲

نتایج:

در ضد سطری: به جز گروه ۲۹-۲۰، تمام گروه‌ها بختیاری را بیشتر از فارسی به کار می‌برند (با بختیاری احساس راحتی بیشتری می‌کنند).

درصد ستونی: فارسی از بالا به پایین دو نوسان دیده می‌شود. گروه ۲۹-۲۰ و گروه ۴۹-۴۰ بیشتر از گروه‌های جوانتر از خود فارسی را به کار می‌برد.

بختیاری: سیر قابل انتظار کاهش بختیاری را از مسن‌ترین گروه به جوان‌ترین گروه، گروه < ۲۰ برهم می‌زند. این گروه بختیاری را بیشتر از گروه ۲۹-۲۰ به کار می‌برد. (۱۷/۶٪ در مقابل ۱۷/۸٪).

این می‌تواند نشانه خوبی برای بقای گویش باشد که جوانترها در ارتباطات دوستانه خود هنوز از گویش استفاده می‌کنند.

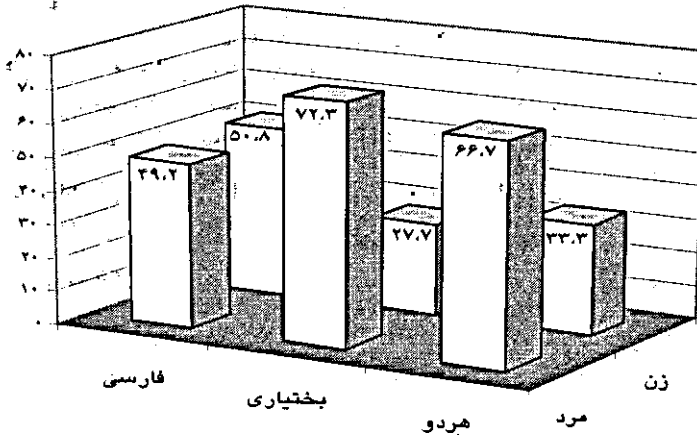
پرسش: در محیط خارج از خانه کدام گروه (زن - مرد) بختیاری را بیشتر به کار می‌برند؟
 فرض: ۱- مردان به خاطر فعالیت اجتماعی بیشتر فارسی را بیشتر به کار می‌برند.
 ۲- زنان به خاطر حفظ اعتبار اجتماعی^{۱۸} فارسی را بیشتر به کار می‌برند.
 جدول شماره ۷: درصد میزان کاربرد فارسی و بختیاری در کوچه و بازار به تفکیک جنس

گروه جنسی	کاربرد زبان	فارسی	بختیاری	هر دو
مرد	فارسی	۳۵/۲	۲۸/۶	۲۲/۷
	بختیاری	۴۹/۲	۷۲/۳	۶۶/۷
زن	فارسی	۵۷/۱	۲۳/۲	۱۷/۹
	بختیاری	۵۰/۸	۲۷/۷	۳۳/۳

نتایج:

درصد سطر: مردان بختیاری را بیشتر از فارسی به کار می‌برند (۲۸/۶٪ در مقابل ۳۵/۲٪). زنان فارسی را بیشتر از بختیاری به کار می‌برند (۵۷/۱٪ در مقابل ۲۳/۲٪).
 درصد ستونی: زنان فارسی را بیشتر از مردان به کار می‌برند (۵۰/۸٪ در مقابل ۴۹/۲٪). زنان بختیاری را کمتر از مردان به کار می‌برند (۲۷/۷٪ در مقابل ۷۲/۳٪).
 به نظر می‌رسد فرض شماره ۲ در بالا به واقعیت نزدیک‌تر است.

نمودار شماره ۲: مقایسه ستونی کاربرد فارسی و بختیاری در کوچه و بازار به تفکیک جنس



نمودار حاضر نشان می‌دهد که در اجتماع و شهر مسجد سلیمان، مردها بیشتر تمایل به کاربرد گوش دارند و زن‌ها به کاربرد زبان رسمی، همچنین به وضوح دیده می‌شود که درصد مردان دوزبانه به میزان حدود دو برابر زنان دوزبانه است.

¹⁸Prestige

پرسش: فرزندان در ارتباط با دوستان بیشتر کدام گونه زبانی را به کار می‌برند؟
فرض: گروه سنی پایین فارسی را بیشتر به کار می‌برند.

جدول شماره ۸: درصد میزان کاربرد فارسی و بختیاری در ارتباط با دوستان به تفکیک میانگین سنی

کاربرد زبان	فارسی	بختیاری	هردو
میانگین سنی < ۲۰	۲۰/۷	۲۹/۳	۴۸/۳
	۳۰/۸	*۳۳/۳	۵۷/۱
میانگین سنی > ۲۰	۱۴/۳	۶۴/۳	۱۴/۳
	۵/۱	۱۷/۶	۴/۱

نتایج:

درصد سطری: هردو گروه بختیاری را بیشتر به کار می‌برند.

درصد ستونی: میانگین سنی پایین در مقایسه با گروه مسن‌تر، در ارتباط با دوستان فارسی را حدود ۶ برابر بیشتر به کار می‌برد (۳۰/۸٪ در مقابل ۵/۱٪).

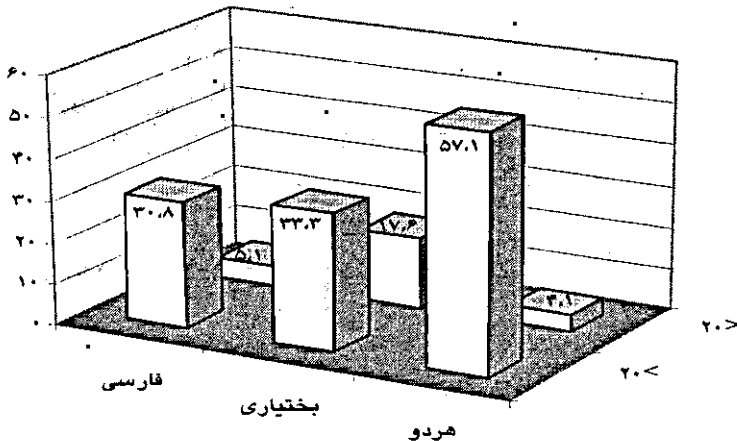
- میانگین سنی پایین بختیاری را هم بیشتر از گروه > ۲۰ سال به کار می‌برد (۳۳/۳٪ در مقابل ۱۷/۶٪).

- اولین نتیجه مقایسه ستونی فرض بالا را تایید می‌کند. دومین نتیجه مقایسه ستونی نقیض فرض بالا است.

- نتیجه حاصل از مقایسه سطری فرض را رد می‌کند. اما نتایج حاصل از مقایسه ستونی به راحتی قابل

تحلیل نیستند. این که گروه سنی زیر ۲۰ سال فارسی را حدود ۶ برابر بیشتر از افراد بالای ۲۰ سال به کار می‌برند نشانه گرایش زیاد به کاربرد زبان معیار در افراد جوان‌تر است. اما چون همین گروه بختیاری را هم حدود ۲ برابر بیشتر از افراد مسن‌تر از خود به کار می‌برند، گرایش مذکور زیر پرسش می‌رود. پس تنها می‌توان گفت احتمال کافی نبودن داده‌ها وجود دارد.

نمودار شماره ۳: مقایسه ستونی کاربرد فارسی و بختیاری در ارتباط با دوستان به تفکیک میانگین سنی



نمودار گویای این مطلب است که بالاترین درصد موجود از لحاظ کاربرد زبان، متعلق به کاربرد توأم گوش و فارسی توسط گروه سنی فرزندان زیر ۲۰ سال است. این واقعیت نشان می‌دهد که در نسل‌های آینده جامعه بیشتر به سوی دوزبانگی حرکت خواهد کرد.

پرسش: برای بیان حالت‌ها عاطفی شدید، فرزندان کدام‌گونه زبانی را ترجیح می‌دهند؟
فرض: گروه جوان‌تر (<۲۰) فارسی را ترجیح می‌دهد و گروه مسن‌تر (>۲۰) بختیاری را.

جدول شماره ۹: درصد میزان کاربرد فارسی و بختیاری در حالت‌های عاطفی شدید به تفکیک میانگین سنی فرزندان

کاربرد زبان میانگین سنی	فارسی	بختیاری	هر دو
< ۲۰	۱۰/۳ ۲۷/۳	۷۲/۴ *۴۵/۲	۱۲/۱ ۵۰/۰
> ۲۰	۲۱/۴ ۱۳/۶	۷۱/۴ ۱۰/۸	

نتایج:

درصد سطری:

- هر دو گروه برای بیان حالت‌های شدید عاطفی بختیاری را به میزان بالایی نسبت به فارسی به‌کار می‌برند.

درصد ستونی:

- گروه <۲۰ فارسی و بختیاری را به میزان بالاتری نسبت به گروه >۲۰ به‌کار می‌برند.

- درصد سطری فرض بالا را نفی می‌کند.

- مقایسه ستونی در مورد بختیاری به راحتی توجه نمی‌شود.

- اینکه هر دو گروه هنوز برای بیان حالات شدید عاطفی خود (نظیر غم، خشم، عشق و ...) کاربرد گوش را راحت‌تر و مؤثرتر می‌دانند، گواه ریشه‌دار بودن گوش در میان افراد جوان و امید به حفظ و بقای آن است.

- با توجه به ستون بختیاری در جداول ۸ و ۹ (و سایر جداول از این دست که در اینجا ذکر نشده‌اند).

همواره دیده شد که گروه سنی جوان‌تر (<۲۰) بختیاری را بیشتر از گروه سنی مسن‌تر (>۲۰) به‌کار می‌برند و این ارقام با ستاره مشخص شده‌اند. صرف‌نظر از ستون فارسی (که باز هم همین قاعده را دارد) شاید بتوان این پدیده را به گرایش روز افزون فرزندان برای کاربرد بیشتر گوش تلقی کرد.

پرسش: اولین زبانی که در کودکی فرا گرفته‌اید، کدام است؟
 فرض: به نظر می‌رسد غالب گویشوران مورد بررسی اولین زبانی که یاد گرفته‌اند بختیاری است.
 - گروه سنی < ۲۰: احتمالاً در این موارد ناقص زیاد دارد.

جدول شماره ۱۰: درصد میزان کاربرد فارسی و بختیاری به عنوان اولین زبان کودکی به تفکیک سب

اولین زبان کودکی گروه سنی	فارسی	بختیاری	سایر
< ۲۰	۳۱/۶ ۲۳/۱	۶۸/۴ ۱۱/۳	
۲۰-۲۹	۳۷/۵ *۴۶/۲	۵۹/۴ ۱۶/۵	۳/۱ ۳۳/۳
۳۰-۳۹	۶/۹ ۷/۷	۸۹/۷ ۲۲/۶	۳/۴ ۳۳/۳
۴۰-۴۹	۸/۶ ۱۱/۵	۸۸/۶ ۲۷/۰	۲/۹ ۳۳/۳
> ۵۰	۱۰/۳ ۱۱/۵	۸۹/۷ *۲۲/۶	

نتایج:

درصد سطری:

- تمام گروه‌ها با درصد بالایی اولین زبان کودکی‌شان بختیاری بوده است. (فرض اول ثابت شد)

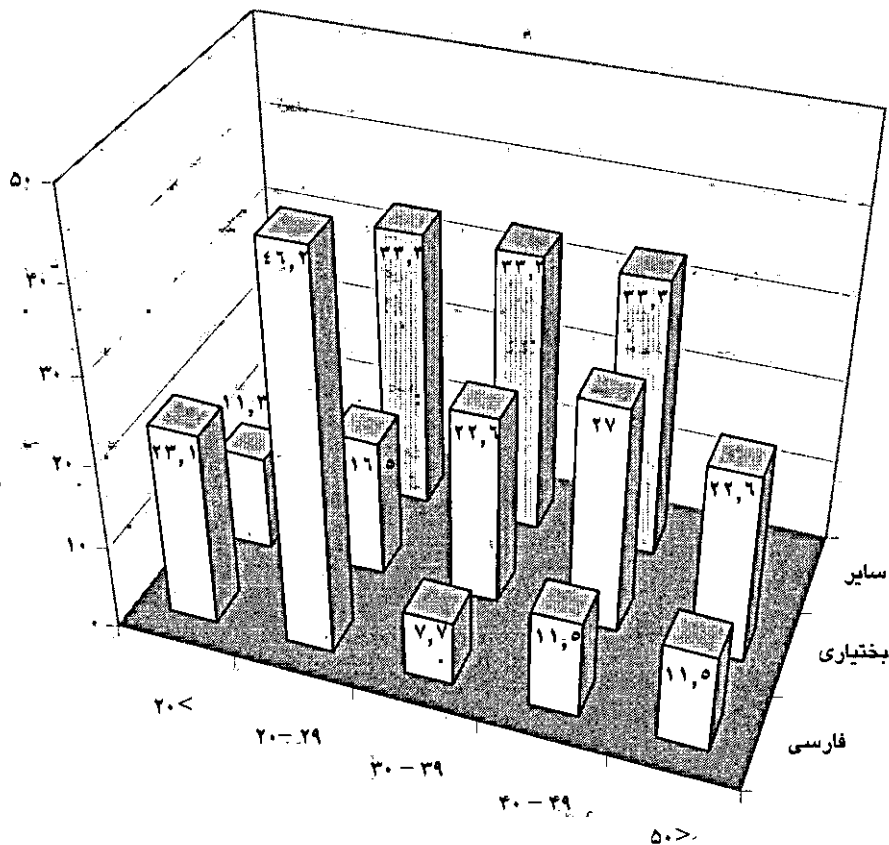
درصد ستونی:

- در ستون فارسی گروه ناقص گروه ۲۰-۲۹ است. یعنی در میان افراد این گروه کسانی که فارسی را به عنوان زبان کودکی یاد گرفته‌اند بیشتر بوده است.

- آموزش بختیاری به عنوان اولین زبان کودکی از گروه ۴۹-۴۰ تا جوان‌ترین گروه کاهش یافته است. مسن‌ترین گروه > ۵۰ از این سیر پیروی نمی‌کنند.

- بیشترین درصد فارسی را گروه ۲۰-۲۹ (۴۶/۲٪) و بیشترین درصد بختیاری را گروه ۴۹-۴۰ (۲۷٪) دارا هستند.

نمودار شماره ۴: مقایسه ستونی کاربرد فارسی و بختیاری به عنوان اولین زبان کودکی به تفکیک سن



نمودار نشان می‌دهد که بیشترین افرادی که بختیاری را به عنوان اولین زبان کودکی فرا گرفته‌اند در میان گروه سنی ۴۰-۴۹ قرار دارد. ونیز گروه سنی ۲۰-۲۹، به میزان بسیار بالایی بیشتر از سایر گروه‌ها زبان فارسی را به عنوان زبان مادری فرا گرفته‌اند.

جداول ۱۱ تا ۱۶ غالباً جدول‌های یک بُعدی هستند. همان‌طور که در ابتدای بخش ۴-۷ آمده است، این جدول‌ها براساس پرسش‌های بسته پرسش‌نامه شکل گرفته‌اند و عمدتاً دارای سه ستون هستند. ستون اول بیان‌گر نوع پاسخ (مبتنی بر انتخاب‌های پرسش‌های بسته پرسش‌نامه مثل □ ضعیف □ متوسط □ خوب) است. در ستون دوم فراوانی پاسخ‌ها آورده شده است، مثلاً در جدول ۱۱ تعداد کسانی که به پرسش مورد نظر پاسخ «ضعیف» داده‌اند ۳۵ نفر و آن‌هایی که پاسخ «متوسط» داده‌اند ۶۴ نفر بوده است... ستون سوم هم به «درصد خالص» تعلق دارد و در بررسی ما این ستون از همه مهم‌تر است و مقایسه‌ها براساس ارقام این ستون صورت می‌گیرد. مثلاً در همان جدول ۱۱ در بررسی پاسخ به این پرسش که «میزان تسلط خود به فارسی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ ستون درصد خالص نشان می‌دهد که ۲۴/۳٪ افراد به این پرسش پاسخ «ضعیف»، ۴۴/۴٪ «متوسط»، ۱۶/۷٪ «خوب» و ۱۲/۵٪ «خیلی خوب» را انتخاب کرده‌اند. پس درمی‌یابیم که اغلب افراد (۴۴/۴٪) تسلط خود به فارسی را متوسط ارزیابی کرده‌اند. با این مقدمه به بررسی جدول‌های یک بُعدی می‌پردازیم.

پرسش: تسلط خود را به فارسی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

فرض: اکثریت قریب به اتفاق افراد نمی‌توانند تسلط خود را به فارسی «خیلی خوب» ارزیابی کنند.

جدول شماره ۱۱: درصد میزان تسلط افراد به فارسی

اولین زبان کودکی	فراوانی	درصد خالص
نوع پاسخ ضعیف	۳۵	۲۴/۳
متوسط	۶۴	۴۴/۴
خوب	۲۴	۱۶/۷
خیلی خوب	۱۸	۱۲/۵

نتایج:

- بیشترین پاسخ به این پرسش «متوسط» است (۴۴/۴٪) و کم‌ترین میزان به «خیلی خوب» (۱۲/۵٪) تعلق دارد.
- فرض بالا تایید شد.

پرسش: تسلط خود را به بختیاری چگونه ارزیابی می‌کنید؟
فرض: اکثریت قریب به اتفاق افراد نمی‌توانند تسلط خود را به بختیاری «خیلی خوب» ارزیابی کنند.

جدول شماره ۱۲: درصد میزان تسلط افراد به بختیاری

میزان پاسخ نوع پاسخ	فراوانی	درصد خالص
ضعیف	۵۴	۳۷/۵
متوسط	۵۱	۳۵/۴
خوب	۳۳	۲۲/۹
خیلی خوب	۳	۲/۱

نتایج: اغلب افراد تسلط خود را به بختیاری «ضعیف» یا «متوسط» ارزیابی کردند (۳۷/۵٪ و ۳۵/۴٪).
- مقایسه جداول ۱۱ و ۱۲ نشان می‌دهد که افراد نه تسلط خود به فارسی را «خیلی خوب» می‌دانند و نه تسلطشان به بختیاری را. بنابراین این می‌توان گفت که جامعه دوزبانه است. اما در جدول ۱۱ بیشتر افراد تسلط خود به فارسی را «متوسط» دانسته‌اند. در حالی که در جدول ۱۲، بیشتر افراد تسلط خود به بختیاری را «ضعیف» نشان داده‌اند. پس محتمل است که حالت دوزبان‌گونه‌گی حاضر به سمت کاربرد بیشتر فارسی تغییر کند.

پرسش: تسلط پدر و مادر خود را به بختیاری در مقایسه با خود چگونه ارزیابی می‌کنید؟
فرض: اکثر قریب به اتفاق افراد تسلط والدین خود را به بختیاری «بیشتر» از خود می‌دانند.

جدول شماره ۱۳: درصد میزان تسلط پدر و مادر به بختیاری

میزان پاسخ نوع پاسخ	فراوانی	درصد خالص
بیشتر	۱۰۴	۷۲/۲
کمتر	۱۴	۹/۷
مساوی	۲۲	۱۵/۳

نتایج: بالاترین درصد پاسخ به «بیشتر» تعلق دارد (۷۲/۲٪).
فرض بالا تأیید شد. پس باید بپذیریم که نسل به نسل تسلط به بختیاری کمتر می‌شود.

پرسش: درخانه (به عنوان اولین کانون زبان آموزی) کدام زبان بیشتر به کار می‌رود؟ چرا؟
فرض: کاربرد بیشتر فارسی درخانه، با فارسی زبان کردن فرزندان، سرعت سیر به سوی زبان معیار را افزایش می‌دهد.

جدول شمارهٔ ۱۴: درصد میزان کاربرد فارسی و بختیاری در محیط‌خانه و علت آن

میزان پاسخ نوع پاسخ	فراوانی	درصد خالص
فارسی	۲۲	۱۵/۳۰
بختیاری	۹۸	۶۸/۱
هر دو	۲۰	۱۳/۹

چرا؟

میزان پاسخ نوع پاسخ	فراوانی	درصد خالص
حفظ اصالت	۵۲	۳۶/۱
راحت‌تر	۲۱	۱۴/۶
ارتباط بهتر	۳	۲/۱
موقعیت شفلی و مکانی	۱	۰/۷
سایر	۱۰	۶/۹

نتایج:

-درخانه، بختیاری هنوز کاربرد بیشتری دارد و بیشترین دلیل ارائه شده نیز، «حفظ اصالت قومی» است. این حالت احتمال حفظ گویش را افزایش می‌دهد.

پرسش: آیا به هنگام تکلم به فارسی، لهجه^{۱۹} خود را پنهان می‌کنید؟
فرض: پنهان کردن لهجه، نشان‌دهنده نگاه تحقیرآمیز به گویش و کمک به سیر نزولی آن است. احتمال می‌رود که به علت تعصب قومی و عوامل دیگر لهجه پنهان نشود و به کارگیری گویش همچنان ادامه یابد.

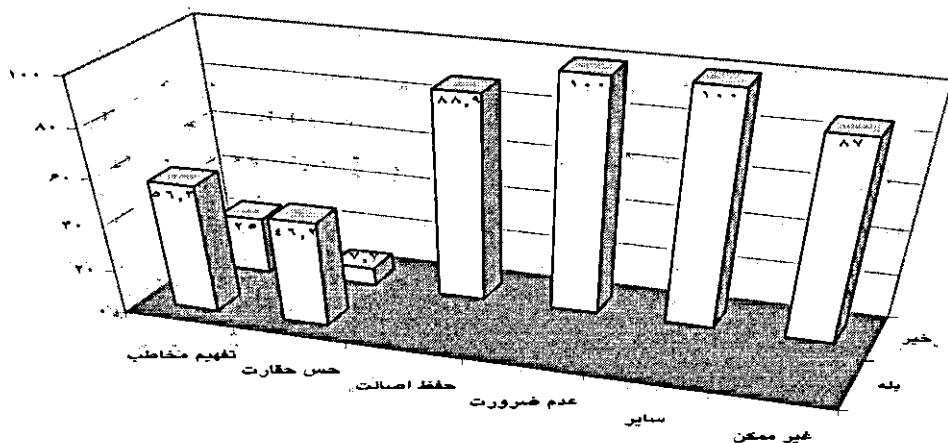
جدول شماره ۱۵: درصد میزان پنهان کردن لهجه و علت‌های آن

دلایل نوع پاسخ	تفہیم مخاطب	حس حقارت	حفظ اصالت	عدم ضرورت	سایر	غیر ممکن	سطر کل
بله	۳۷/۵ ۵۶/۳	۲۵/۰ ۴۶/۲					۱۶۷
خیر	۴/۱ ۲۵/۰	۱/۰ ۷/۷	۸/۲ ۸۸/۹	۲۰/۶ ۱۰۰/۰	۱۳/۴ ۱۰۰/۰	۲۰/۶ ۸۷/۰	۶۷/۴

نتایج:

- بیشتر کسانی که لهجه خود را پنهان می‌کنند، علت آن را تلاش برای تفہیم مخاطب (۳۷/۵٪) بیان کرده‌اند و این نشان‌دهنده نگاه تحقیرآمیز آن‌ها به گویش نیست.
- اغلب کسانی که لهجه خود را پنهان نمی‌کنند، علت آن را غیرممکن بودن این امر (۲۰/۶٪) و یا عدم ضرورت (۲۰/۶٪) آن می‌دانند.
- مقایسه ستونی «سطر کل» نشان می‌دهد که تعداد پاسخ منفی به پرسش بالا در حدود ۵۰ درصد بیشتر از پاسخ مثبت است. (۶۷/۴٪ در مقابل ۱۶۷٪).
- (سطر کل بیان‌گر مجموع پاسخ‌های هر سطر جدول است.)

نمودار شماره ۵: مقایسه ستونی میزان پنهان کردن لهجه و علت‌های ارایه شده



چنان‌که ملاحظه می‌شود، افرادی که در پرسش‌نامه اظهار داشتند لهجه خود را پنهان نمی‌کنند، همگی جواب «عدم ضرورت» را هم در بین پاسخ خود داشتند. این بدان معناست که این افراد نسبت به گویش نگاه تحقیرآمیز ندارند. بالاترین میزان پاسخ در مرتبه دوم به جواب «حفظ اصالت» تعلق دارد و پس از آن به «تفهم مخاطب». به عبارت دیگر افراد معتقد بودند که به لحاظ علاقه به حفظ اصالت قومی، سعی دارند که گویش را هرچه بیشتر به کار ببرند و از داشتن لهجه ناراحت نیستند. کسانی هم که گویش را کمتر به کار می‌برند و یا سعی دارند بدون لهجه صحبت کنند، بیشتر (۵۶/۳) به دلیل تلاش برای تفهم هرچه بهتر مخاطب و برقراری ارتباط کامل‌تر، این کار را می‌کنند.

پرسش: آیا در شهر شما برنامه‌های رایویی و تلویزیونی به گویش محلی پخش می‌شود؟

- فرض: هرچه فعالیت رسانه‌ها به زبان رسمی بیشتر باشد، کاربرد گویش کمتر می‌شود.
- هرچه فعالیت رسانه‌ها در جهت تقویت گویش بیشتر باشد، بقای گویش بیشتر می‌شود.

جدول شماره ۱۷: درصد میزان تأثیرگذاری برنامه‌های رایویی و تلویزیونی بر میزان

کاربرد فارسی و بختیاری در محیط خانه

زبان \ نوع پاسخ	فارسی	بختیاری	سایر
	بله	۱۹/۲ ۶۳/۶	۶۴/۴ ۴۸/۰
خیر	۱۴/۰ ۳۱/۸	۶۸/۰ ۳۴/۸	۱۲/۰ ۳۰/۰

نتایج:

درصد ستونی:

- در گروهی که به پرسش بالا پاسخ مثبت دادند، کاربرد بختیاری در محیط خانه بیشتر از فارسی است (۶۴/۴ در مقابل ۱۹/۲٪).
- در گروهی که به پرسش پاسخ منفی دادند، هم کاربرد بختیاری در محیط خانه بیشتر از فارسی است (۶۸٪ در مقابل ۱۴٪).

درصد ستونی:

- گروهی که به پرسش پاسخ مثبت دادند نسبت به گروه دیگر در محیط خانه فارسی را بیشتر به کار می‌برند (۶۳/۶٪ در مقابل ۳۱/۸٪).
- میزان تأثیر رسانه‌ها بر گویش شهر مسجدسلیمان به طور مشخص روشن نشد و به نظر می‌رسد که در این شهر رسانه‌ها عامل مؤثری در جهت بقا یا زوال نیستند.

۵. نتیجه‌گیری

در این بخش سعی می‌شود تا نتایج بدست آمده از این پژوهش جمع‌بندی شوند و در ادامه، نیز پیشنهادهایی جهت پژوهش‌های ممکن بعدی ارائه شود.

۵-۱. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نگرش انسان‌شناختی به پدیدهٔ زبان، ویژگی خاص و تازۀ پژوهش حاضر است. در بررسی آماری داده‌ها سعی شد تا در هر مورد نتیجهٔ استخراج شده به صورت جدول یا نمودار عرضه شود. اما همان‌طور که در مقدمهٔ این بخش آماری ذکر شد، علت‌یابی دقیق گرایش‌های موجود، تحقیقات عمیق و مفصل دیگری را طلب می‌کند تا ضمن تعیین و بررسی موشکافانهٔ تمامی عوامل احتمالی دخیل در این پدیده، یعنی تغییر زبان، سمت و سوسو و وضعیت آتی گوش بختیاری در جامعهٔ زبانی مورد بررسی (مسجد سلیمان) مشخص شود.

تا این مرحله، براساس پژوهش حاضر روشن شد که برخلاف نگرانی‌های شدید موجود دال بر زوال روزافزون و سریع گوش‌های محلی ایران، گویش بختیاری از وضعیت کاربردی نسبتاً خوبی برخوردار است. به این معنی که تقریباً تمامی زنان و مردان مورد پژوهش که در مقاطع سنی، تحصیلی و شغلی مختلف هستند در حوزه‌های مختلف خانه، کوچه و بازار، ارتباط‌های خویشاوندی و... بختیاری را بیشتر از فارسی بکار می‌برند. از عمده‌ترین دلایل ارائه شده برای کاربرد بیشتر بختیاری، می‌توان عواملی از قبیل عرق و پابندی قومی، علاقه به حفظ اصالت و تداوم نسلی سنت‌ها، راحت‌تر بودن گویش برای بیان عواطف و احساسات را نام برد که همگی دلایلی مهم، ریشه‌دار و تأثیرگذار هستند. به عبارت دیگر، ذکر این دلایل از سوی گویشوران بیان‌گر این است که آن‌ها در مقایسه با زبان رسمی نسبت به گویش حس و نگاه تحقیرآمیز ندارند و ضمن داشتن رابطهٔ عاطفی با گویش، تلاش دارند تا آن را به نسل‌های بعدی نیز منتقل کنند. وجود چنین شرایطی، احتمال حفظ و بقای گویش را بالا می‌برد. اما مطالعهٔ در زمانی داده‌ها (بررسی‌های ستونی) اکتی در حدود چهار درصد بین هر دو دهه را در کاربرد گویش نشان می‌دهد، که برای تحولات زبانی سرعتی منطقی و طبیعی به نظر می‌رسد و به عبارت دیگر تحول گویش به سوی زبان معیار، با این میزان افست، چندان نگران‌کننده نیست. حال به عهده برنامه‌ریزان زبان و سایر مراجع ذیصلاح است، که با تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌های دقیق و هدفمند، این سیر را کنترل کنند و در جهت تقویت گویش بکوشند.

۵-۲. پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

پیشنهادهای زیر برای پژوهش‌های آتی قابل ارائه می‌نمایند.
- بررسی جامعه‌شناختی عوامل دخیل در پدیدهٔ تغییر زبانی در مورد این گویش و جامعهٔ زبانی مورد پژوهش، می‌تواند تحقیقی جالب و مفید باشد.

-
- گویش بختیاری دارای لهجه‌های گوناگونی است. بررسی این تنوع و علت‌های پان و نیز تعیین دقیق خانوادهٔ زبانی-مربوط-به آن از جمله پژوهش‌هایی است که می‌توان دربارهٔ این گویش انجام داد.
 - پژوهش انسان‌شناختی ارزشمند دیگری که می‌توان برای این گویش و سایر گویش‌های کشور انجام داد، برنامه‌ریزی جهت تقویت و حفظ گویش با تکیه بر گرایش‌های موجود است.

پرستنامه

• مشخصات گویشور:

نام و نام خانوادگی:
 سن: جنس: وضعیت تأهل: تعداد و سن فرزندان: میزان تحصیلات:
 شغل: محل تولد: طول زمان اقامت:

• مشخصات زبانی:

- اولین زبانی که در کودکی فراگرفته‌اید، کدام است؟ فارسی بختیاری سایر
- تسلط خود را به فارسی چگونه ارزیابی می‌کنید؟ خیلی خوب خوب متوسط ضعیف
- تسلط پدر و مادر خود را به فارسی در مقایسه با خودتان چگونه ارزیابی می‌کنید؟ بیشتر کمتر مساوی
- تسلط خود را به بختیاری چگونه ارزیابی می‌کنید؟ خیلی خوب خوب متوسط ضعیف
- تسلط پدر و مادر خود را به بختیاری در مقایسه با خود چگونه ارزیابی می‌کنید؟ بیشتر کمتر مساوی

در مکان‌های زیر بیشتر به چه زبانی صحبت می‌کنید؟ فارسی یا بختیاری، چرا؟

- در محل کار:
- در کوچه و بازار: (مثلاً هنگام خرید)
- در میهمانی خانوادگی:
- در مدرسه:
- یا افراد زیر بیشتر به چه زبانی صحبت می‌کنید، فارسی یا بختیاری، چرا؟
- با همسر:
- با فرزندان:
- با والدین:
- با افراد پیر فامیل:
- با دوستان:

در مراسم زیر فارسی بیشتر به کار می‌رود یا بختیاری؟ مراسم عروسی: مراسم عزاداری: مراسم دیگر (خود نام ببرید)
 در حالات عاطفی شدید (عصبانیت، ابراز محبت، بیماری و) احساسات خود را به چه زبانی راحت‌تر بیان می‌کنید؟ علت آن را چه می‌دانید؟

- آیا فارسی را با لهجه صحبت می‌کنید؟
- آیا به هنگام فارسی صحبت کردن تلاش می‌کنید لهجه خود را پنهان کنید؟ چرا؟
- فرزندان شما نخست فارسی یاد گرفته‌اند یا بختیاری؟
- آیا فرزندان شما به هنگام صحبت کردن به فارسی لهجه دارند؟
- آیا در شهرستان محل اقامت شما برنامه‌های رادیویی یا تلویزیونی به بختیاری پخش می‌شود؟
- آیا به موسیقی بختیاری گوش می‌دهید؟ به چه میزان؟ خیلی متوسط کم
- آیا دانستن بختیاری را برای خود لازم می‌دانید؟ زیاد تا حدودی اصلاً
- هنگام مسافرت به شهرستان‌های دیگر بیشتر از فارسی استفاده می‌کنید یا بختیاری؟ به کدام علت:
- برای درک و تفاهم بیشتر.
- به این دلیل که نسبت به زبان‌های محلی برخوردار خوبی نمی‌شود.
- صرفاً به خاطر اینکه فارسی صحبت کردن معمول‌تر است.
- ترجیح می‌دهید فرزندان شما بیشتر به چه زبانی مسلط باشند، فارسی یا بختیاری؟ چرا؟
- آیا در زمینه زبان یا فرهنگ بختیاری مطالعه دارید؟ خیلی متوسط کم
- آیا علاقه‌مند هستید که فرزندانان در این زمینه مطالعه کنند و اطلاعات جامعی کسب کنند؟ چرا؟
- در زمینه شعر، ضرب‌المثل و یا حکایت‌ها و مثل‌های بختیاری چقدر اطلاعات دارید و در مکالمات روزمره چقدر آن‌ها را به کار می‌برید؟

به نظر شما کدام جنبه بختیاری جالب توجه است:

- خوش‌آوا و دلنشین است، به آن وابستگی عاطفی و تعصب قومی دارید.
- جنبه دیگری به نظرتان می‌رسد بیان کنید.
- نظر شما در مورد اختصاص ساعاتی از برنامه درسی مدارس ابتدایی منطقه به آموزش زبان و فرهنگ بختیاری چیست؟
- اگر برای شما ممکن بود برای پیشرفت و گسترش زبان بختیاری چه می‌کردید؟

منابع

- الیما، ن.م، ۱۳۷۴، "چند باور قومی، تاریخی بختیاری"، در، کتاب آنزان، شماره یک، تهران، آنزان.
- امان، دیتز، ۱۹۷۵، بختیاری‌ها، عشایر کوه‌نشین ایرانی در پویه تاریخ، ترجمه سید محسن محسنیان، مشهد، آستان قدس رضوی.
- امیری، مه‌راب، ۱۳۶۹، ده سفرنامه، تهران، وخید.
- اورانسکی، ای. م.، ۱۳۵۸، مقدمه فقه‌اللفه ایرانی، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام.
- پیر عباسی، یحیی، ۱۳۷۲، ضرب‌المثل‌های بختیاری، تهران، ایل.
- جعفری، عباس، ۱۳۶۸، شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران، چاپ سوم، تهران، سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- خسروی، عبدالعلی، ۱۳۶۸، فرهنگ بختیاری، تهران، فرهنگسرا.
- _____، ۱۳۷۵، گویش بختیاری، اصفهان، غزل.
- دیگرار، ژان پی‌یر، ۱۳۶۶، فنون کوچ‌نشینان بختیاری، ترجمه اصغر کریمی، تهران، آستان قدس رضوی.
- راولینسون، هنری، ۱۳۵۶، سفرنامه به لرستان و خوزستان، ترجمه سکندر امان‌الهی، حرم‌آباد، انجمن ادب و هنر.
- زمردیان، رضا، ۱۳۶۸، زبان‌شناسی عملی، بررسی گویش قاین، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ساماریان، ویلیام، ۱۹۶۷، راهنمای بررسی گویش‌ها، ترجمه لطیف عطباری، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- صفی‌نژاد، جواد، ۱۳۶۸، عشایر مرکزی ایران، تهران، امیرکبیر.
- عباسی شهنی، دانش، ۱۳۷۴، تاریخ مسجد سلیمان، تاریخ تحولات صنعت نفت، تهران، هیرمند.
- عکاشه ضغیم‌الدوله، اسکندرخان، ۱۳۶۵، تاریخ ایل بختیاری، تهران، یسانولی.
- فاضلی، محمد، ۱۳۷۳، امثال و اصطلاحات چهارمجال بختیاری، تهران، نشر فردا.
- کتاب آنزان، ۱۳۷۴، گردآورنده غلا عباس نوری بختیاری، تهران، آنزان.
- کسروی، احمد، ۱۳۷۳، تاریخ پانصد ساله خوزستان، تهران، آنزان.
- کلباسی، ایران، ۱۳۵۵، زبان فارسی و زبان‌های محلی، تهران، دانشگاه سپاهیان انقلاب.
- کیا، صادق، ۱۳۴۰، راهنمای گردآوری گویش‌ها، تهران، اداره فرهنگ عامه.
- گارتویت، جن‌راف، ۱۹۶۹، تاریخ سیاسی-اجتماعی بختیاری، ترجمه مه‌راب امیری، تهران، آنزان.

-
- لارو، رابرت، ۱۳۶۷، زبان‌شناسی در میان فرهنگ‌ها، ترجمه علی‌دزری، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم.
 - مدرسی، یحیی، ۱۳۶۸، درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
 - مددی، ظهراب، ۱۳۷۵، واژه‌نامه زبان بختیاری، اهواز، آیات.
 - _____، ۱۳۷۳، فعل در زبان بختیاری، سمینار شعر و ادبیات گویشی، شهرکرد.
 - مستوفی قزوینی، حمدالله، ۱۳۶۴، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نراقی، چاپ سوم، تهران، امیرکبیر.
 - موزر، س. گ.؛ کالتون، ج.، ۱۳۶۷، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه کاظم ایزدی، تهران، کیهان.
 - نائل خانلری، پرویز، ۱۳۶۹، تاریخ زبان فارسی، چاپ چهارم، تهران، نشر نو.
 - نظری، علی‌اصغر، ۱۳۷۲، جغرافیای جمعیت ایران، چاپ دوم، تهران، سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
 - Aitchison, Jean., 1993, *Language Change: Progress or Decay?*, 2nd ed. Cambridge, Cambridge University Press.
 - De Vries, John., 1992, "Language Maintenance and Shift, Problems of Measurement", in, Fase, Willen et al. (eds.), *Maintenance and Loss of Minority Languages*, Philadelphia, John Benjamins.
 - Fasold, R., 1984, *The Sociolinguistics of Society*, Oxford, Basil Blackwell.
 - Fishman, Joshua.A. 1964, "Language Maintenance and Language Shift as a Field of Inquiry", in, *Linguistics* (9): 32-70.
 - Gumperz, J.J., 1972, "The Speech Community", in, Giglioli, P.P., (ed.), *Language and Social Context: Selected Readings*, Harmondsworth, Penguin Books.
 - Hudson, R.A., 1990, *Sociolinguistics*, Cambridge, Cambridge University Press.
 - Hymes, D.H., 1974, *Foundations in Sociolinguistics: An Ethnographic Approach*, Philadelphia, University of Pennsylvania Press.
 - Labov, W. 1966, *The Social Stratification of English in New York City*, Washington D.C., Center for Applied Linguistics.
 - Lorimer, D.L.R., 1922, *The Phonology of the Bakhtiari, Badakhshani, and Madaglashti. Dialects of Modern Persian*, London, Prize Publication Fund, R.A.S.
 - Vahman, F.; Asatrian, G.S., 1987, *West Iranian Dialect Materials*, from the collection of K.L.Lorimer, vol.1: *Materials on the Ethnography of the Baxtiaris*, Copenhagen.
 - Wardhaugh, Ronald, 1990, *Sociolinguistics: An Introduction*, Oxford, Basil Blackwell.
 - Wilson, Sir Arnold, 1926, "The Bakhtiari", in, *The Central Asian Society's Journal*, vol.13, Paris.
 - Windfur, G.L., "Bakhtiari dialect", in, *Encyclopedia Iranica*, vol.2. : 559-561.